مشکوة سال چهل‌و سوم / ش ۱۶۳/ تابستان ۱۴۰۳

نوع مقاله: علمی ـ ترویجی (۱۳۳ـ ۱۵۸)

محور موضوعی سورهٔ نور براساس واحدهای موضوعی آن

محسن رجبی قدسی[۱] ـ ملیحه پناهی‌نیک[۲]

چکیده

شناخت ساختار و محور موضوعی هر سوره از قرآن روشی نوین در علم سوره‌شناسی است. سورهٔ نور بیست و چهارمین سورهٔ قرآن است که با ۶۴ آیه به نُه واحد موضوعی تقسیم می‌شود. آیا در میان آیات و واحدهای این سوره یک محور موضوعی می‌توان به دست آورد؟ پژوهش حاضر به روش توصیفی ـ تحلیلی این مسئله را بررسیده است. برای این کار با تدبّر در متن آیات هریک از واحدهای نه‌گانهٔ سوره، عنوانی برای معرّفی هر واحد موضوعی پیشنهاد شده است؛ مانند: حفظ پوشش در مراودات اجتماعی، رعایت عفّت و تعلیم کودکان برای کسب اجازهٔ ورود به اتاق والدین و ایمان به حضور دائم خداوند. از طریق بررسی مضامین هریک از واحدهای موضوعی سورهٔ نور و ارتباط آن‌ها چنین می‌توان دریافت که محور موضوعی این سوره عبارت است از «شیوه‌های پیشگیری از انحرافات جنسی در نهاد خانواده و جامعه» که در هریک از واحدهای موضوعی یادشده بخشی از آن تبیین شده است.

کلیدواژه‌ها: محور سورهٔ نور، سوره‌شناسی، عفاف، انحرافات جنسی، تناسب آیات، تحکیم خانواده.

۱. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم مشهد (نویسندهٔ مسئول). rajabi@quran.ac.ir

۲. کارشناس ارشد علوم قرآنی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم مشهد. m.panahi.2030@gmail.com

دریافت: ۱۴۰۲/۸/۶. پذیرش: ۱۴۰۳/۴/۱۸

مقدّمه

سوره در علوم قرآنی به مجموعه‌ای از آیات معیّن و به‌هم‌پیوسته اطلاق می‌شود که با نظم و ترتیبی حکیمانه و جاودان در پی هم قرار گرفته‌اند. کشف محور موضوعی سوره‌های قرآن از مطالعات نوین علم سوره‌شناسی است که تاکنون این مهم در زبان فارسی به روش تحلیل محتوا و در قالب دو مقاله و یک پایان‌نامه به انجام رسیده است: «کشف محور موضوعی سورهٔ حج با روش تحلیل محتوا» از رضی بهابادی و احدیان (۱۳۹۷)، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد «کشف محور موضوعی سورهٔ یونس با روش تحلیل محتوا» از الماسی قمی (۱۳۹۹) و «واکاوی محور موضوعی سورهٔ حدید با روش تحلیل محتوا» نوشتهٔ سازور (۱۴۰۲). مقالهٔ «ارزیابی غرض سورهٔ اسراء براساس سورهٔ مجاور، زوج و سور مسبّحات» به قلم علی‌آبادی راوری و دیگران (۱۳۹۹) نیز در همین راستاست.

پژوهش حاضر بر مبنای تقسیم قرآن کریم به ۵۵۵ واحد موضوعی (لسانی فشارکی و مرادی زنجانی، ۱۳۹۴: ۱۲۶ـ ۱۳۲، ۲۳۰) در پی آن است که از طریق تلاوت قرآن و تدبّر در متن آیات واحدهای موضوعی سورهٔ نور به‌ویژه توجّه به واحدهای موضوعی ابتدا و آخر سوره، محور موضوعی آن را کشف کرده و به این ترتیب، ارتباط و پیوند آیات را بازشناسی و بازنمایی کند.

در تقسیم قرآن به ۵۵۵ واحد موضوعی، هریک از ۳۵ سورهٔ آخر مصحف شریف از سورهٔ ناس تا سورهٔ عَبَسَ تك‌واحدی‌اند؛ یعنی در این سوره‌ها تقسیمی صورت نگرفته و از سورهٔ نازعات تا بقره، هر سوره به دو تا چهل واحد موضوعی تقسیم شده است (همان، ۲۲۸-۲۳۲). البته فاتحة‌الکتاب به‌عنوان «اُمّ‌القرآن» و «اُمّ‌الکتاب» (دارمی، ۱۴۲۱: ۷۶۸) داخل در تقسیم پیش‌گفته نیست. هریک از واحدهای موضوعی در یک مرتبه وحی بر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نازل شده است (برای نمونه بنگرید به: قمی، ۱۳۶۳: ۲/ ۳۷۰-۳۶۹؛ صنعانی، ۱۴۰۳: ۵/ ۴۱۰؛ دارمی، ۱۴۱۲: ۳/ ۱۶۷۳).

سورهٔ نور با ۶۴ آیه به نه واحد موضوعی یا رکوع تقسیم می‌شود (منسوب به ابن‌مهران نیشابوری، ۱۳۸۵: ۴۰۲-۴۰۵؛ ایجی شیرازی، ۱۴۲۴: ۳/ ۱۰۴) و بیست و چهارمین سورهٔ قرآن

در ترتیب تلاوت، یعنی ترتیب جاودانۀ سوره‌ها در متن مصحف شریف است. سورۀ نور همچنین مجاور سورۀ مؤمنون و زوج سورۀ فرقان است (لسانی‌فشارکی و مرادی زنجانی، ۱۳۹۴: ۱۱۹-۱۲۵).

گرچه مقالاتی مانند «نظام اخلاقی عفاف از منظر قرآن کریم بر مبنای سورۀ نور» از حجازی (۱۳۹۷)، «شیوه‌های ترویج حیا با محوریت سورۀ نور» از خجسته و خرمی‌نسب (۱۳۹۸) و «جایگاه حجاب در ساختار آیۀ ۳۱ سورۀ نور و پیوند آن با کلّ سوره» از کارگر و بهمنی (۱۳۹۹) را می‌توان به‌نوعی جزء پیشینۀ موضوع تحقیق حاضر به شمار آورد، در هیچ‌یک از این آثار، سوره‌شناسی و کشف محور موضوعی سورۀ نور مسئلۀ تحقیق نبوده است.

برای دستیابی به محور موضوعی سورۀ نور ابتدا با تدبّر در آیات هر واحد موضوعی، پیام آن واحد با یک عنوان توصیف می‌شود و در ادامه، ضمن تبیین جداگانۀ مضامین هریک از واحدها، برخی نکات مهم تربیتی برآمده از آیات که به کشف محور موضوعی سوره کمک فراوانی می‌کند، ذیل همان واحد یادآوری می‌شود. در پایان نیز با بررسی مضامین همۀ واحدها و ارتباط و پیوند میان آن‌ها، محور موضوعی برآمده از مجموع واحدهای موضوعی نه‌گانه پیشنهاد می‌شود. نویسندگان پژوهش حاضر برای کشف محور موضوعی سورۀ نور یک بار واحدهای موضوعی آن را به ترتیب اوّل به آخر و بار دیگر از واحد آخر به واحد اوّل مورد تدبّر قرار داده‌اند که البته ترتیب اخیر بیشتر به کشف محور موضوعی سوره یاری کرده است.

۱. مضامین واحدهای موضوعی سورۀ نور

۱ـ۱. آگاهی‌بخشی کامل و روشن به همۀ آحاد مردم

اولین واحد موضوعی سورۀ نور شامل آیات یک تا ده است که در یک مرتبه وحی و با هم نازل شده‌اند (صنعانی، ۱۴۰۳: ۵/ ۴۱۰). در نخستین آیه چنین گفته می‌شود که همۀ فرایض مطرح‌شده در سورۀ نور، اول اینکه «بَیِّن» است؛ یعنی بسیار روشن و واضح و قابل

درک و فهم است و هیچ‌گونه اجمال و ابهامی در آن وجود ندارد: ﴿**سورَةٌ ... أَنْزَلْنا فِيها آياتٍ بَيِّناتٍ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ**﴾ (نور/۱) و دوم اینکه، همهٔ احکام و آموزه‌های ارائه‌شده در این سوره از سوی خداوند توّاب حکیم به صورت حکیمانه و محکم نازل شده و هیچ‌گونه خلل و کاستی‌ای ندارد؛ خداوندی که بنابر فضل و رحمت واسعهٔ خویش برای کارسازی و بنده‌نوازی همهٔ بندگانش به مسائل و مشکلاتی که در مسیر رشد و تعالی آن‌هاست، توجّه ویژه دارد و هیچ‌گاه آنان را رها نکرده و همواره بر سعادت و سلامتشان ناظر است: ﴿**وَ لَوْ لا فَضلُ اللهِ عَلَيكُم وَ رَحمَتُهُ وَأَنَّ اللهَ تَوّابٌ حَكيمٌ**﴾ (نور/ ۱۰).

بنابراین، نخستین گام برای آگاهی‌بخشی به افراد جامعه این است که اعلام شود هر مرد و زنی که زنا کنند و به‌عنوان زناکار شناخته شوند، در مرأی و منظر گروهی از مؤمنان صد ضربه تازیانه خواهند خورد و جامعهٔ اسلامی در اجرای کامل این حدّ مصمّم بوده (مطهری، ۱۳۷۳: ۱۱) و هیچ‌گونه رأفت و مهربانی‌ای به خرج نخواهد داد: ﴿**الزَّانِيَةُ وَ الزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ واحِدٍ مِنْهُما مِائَةَ جَلْدَةٍ وَ لا تَأْخُذْكُمْ بِهِما رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ لْيَشْهَدْ عَذابَهُما طائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ**﴾ (نور/ ۲). مردان و زنان مؤمن با زن و مرد زناکار ازدواج نخواهند کرد؛ مرد زناکار فقط با زن زناکار یا مشرک ازدواج می‌کند و زن زناکار فقط با مرد زانی یا مشرک می‌تواند ازدواج کند: ﴿**الزَّانِي لا يَنْكِحُ إِلاَّ زانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَ الزَّانِيَةُ لا يَنْكِحُها إِلاَّ زانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَ حُرِّمَ ذلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ**﴾ (نور/ ۳).

ازآنجاکه ممکن است برخی افراد با سوءاستفاده از این قوانین بخواهند با آبروی دیگران بازی کنند یا در رقابت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی برای از میان بردن حریف به تهمت زنا متوسل شوند و یا با سهل‌انگاری و ساده دیدن مسئله، هرگونه مراوده‌ای را زنا بپندارند، خداوند حکیم برای صیانت از آبروی افراد و جلوگیری از تهمت‌های ناروا، هرگونه نسبت دادن زنا به زنان بدون داشتن شهادت چهار شاهد را موجب اجرای هشتاد تازیانه بر تهمت‌زننده یا تهمت‌زنندگان اعلام کرده است: ﴿**وَ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَناتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَداءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمانِينَ جَلْدَةً**﴾ (نور/ ۴) که در فقه اسلامی به آن حدّ «قَذف» گویند (منسوب به امام رضا علیه‌السلام، ۱۴۰۶: ۲۸۵). این افراد از نظر

خداوند فاسق‌اند و دیگر شهادت و گواهی آنان در محاکم و دعاوی مورد قبول نخواهد بود: ﴿وَ لا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهادَةً أَبَداً وَ أُولئِكَ هُمُ الْفاسِقُونَ﴾ (نور/ ۴)؛ مگر اینکه توبه کرده و با انجام اعمال صالح آسیب‌های واردشده را جبران کنند: ﴿إِلَّا الَّذِينَ تابُوا مِنْ بَعْدِ ذلِكَ وَ أَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (نور/ ۵).

در نهاد خانواده نیز مرد نمی‌تواند همسرش را به آلودگی جنسی متّهم کند: ﴿وَ الَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْواجَهُمْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ شُهَداءُ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ فَشَهادَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهاداتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ * وَ الْخامِسَةُ أَنَّ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كانَ مِنَ الْكاذِبِينَ * وَ يَدْرَؤُا عَنْهَا الْعَذابَ أَنْ تَشْهَدَ أَرْبَعَ شَهاداتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْكاذِبِينَ * وَ الْخامِسَةَ أَنَّ غَضَبَ اللَّهِ عَلَيْها إِنْ كانَ مِنَ الصَّادِقِينَ﴾ (نور/ ۶-۹).

۱ـ۲. ساکت کردن مروّجان انحراف جنسی با نقل نکردن شایعهٔ آن‌ها

در رکوع و سیاق دوم (آیات ۱۱ـ ۲۰) که تکملهٔ سیاق اوّل است، با اشاره به داستان اِفک، رفتار مسلمانان در برخورد با این مسئله بازخوانی و نقد می‌شود. خداوند در این سیاق به همگان تعلیم می‌دهد که باید در حفظ آبرو و رعایت شأن یکدیگر کوشا و حسّاس باشند و همهٔ افراد جامعهٔ خود را نفسی واحد بدانند؛ به صورتی که هرگونه بی‌احترامی و ریختن آبروی دیگران عین بی‌احترامی و لطمه زدن به آبروی یکایک افراد جامعه، از جمله کسانی که خبر را نقل کرده‌اند، قلمداد شود. ازاین‌رو خداوند از مسلمانان می‌خواهد پس از شنیدن خبری که به آبروی افراد مربوط است، بی‌درنگ نسبت به خبر و آورندهٔ آن واکنشی تند نشان بدهند و بگویند این سخن «بهتان عظیمی» است و محتوای خبر را «افک مبین» بدانند؛ دروغی بزرگ که هیچ پایه و اساسی ندارد: ﴿إِنَّ الَّذِينَ جاؤُ بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ لا تَحسَبُوهُ شَرّاً لَكُم بَل هُوَ خيرٌ لَكُم لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَ الَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذابٌ عَظِيمٌ * لَوْ لا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِناتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْراً وَ قالُوا هذا إِفْكٌ مُبِينٌ﴾ (نور/ ۱۰ـ ۱۱) همچنین آنان باید از گوینده و آورندهٔ خبر برای اثبات درستی خبرش چهار شاهد بخواهند: ﴿لَوْ لا جاؤُ عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةِ شُهَداءَ فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشُّهَداءِ فَأُولئِكَ عِنْدَ اللَّهِ هُمُ الْكاذِبُونَ﴾ (نور/ ۱۳). افزون بر این افراد جامعه نسبت به برادران و

خواهران مسلمانی که این‌گونه اخبار دربارهٔ آنان گفته شده، بدگمان نشوند و هرگز آن خبر را به دیگری نگویند؛ چراکه نزد خداوند سخن گفتن و پخش این‌گونه خبرها عذاب بسیار دردناک و سهمگینی در دنیا و آخرت در پی دارد: ﴿**إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَ تَقُولُونَ بِأَفْواهِكُمْ ما لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَ تَحْسَبُونَهُ هَيِّناً وَ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ**﴾ (نور/ ۱۵). برای مؤمن به خدا شایسته نیست دربارهٔ این امور که هیچ‌گونه علمی به صحّت و سقم آن ندارد، سخن بگوید و به‌آسانی بر زبان بیاورد: وَ ﴿**لَوْ لا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُم ما يَكونُ لَنا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهذا سُبْحانَكَ هذا بُهتانٌ عَظِيمٌ**﴾ (نور/ ۱۶).

مسلمانان بدانند که در جامعه همواره افراد مریض‌القلب و منافقانی هستند که برای برهم زدن امنیت روانی و اجتماعی مردم در پی خبرسازی و شایعه‌پراکنی هستند؛ به‌ویژه دربارهٔ کسانی که از موقعیت ویژه‌ای برخوردارند: ﴿**إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ**﴾ (نور/ ۱۹؛ همچنین بنگرید به: احزاب/ ۵۸-۶۰؛ توبه/ ۶۷). بنابراین همگان می‌توانند با مسکوت گذاشتن چنین اخباری نقشه‌ها و کیدهای پلید توطئه‌گران را خنثی کنند و نگذارند که آنان به‌آسانی به اهداف زشت و نادرست خود دست یابند.

نقل و به اشتراک گذاشتن چنین اخباری مؤمنی را از دایرهٔ ایمان خارج می‌کند و او را در زمرهٔ فاسقان قرار داده و موجب ترویج فحشا در جامعه می‌شود؛ زیرا بر اثر نقل این اخبار و دست‌به‌دست شدن آن‌ها به‌تدریج قبح و نادرستی گناهانی، مانند زنا و لواط و روابط نادرست میان نامحرمان از میان رفته و این‌گونه رفتارها و گناهان، اموری عادی و فراگیر که همه گرفتار آن هستند، جلوه خواهد کرد.

دربارهٔ سبب نزول آیهٔ افک ﴿**إِنَّ الَّذِينَ جاؤُ بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ لا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَ الَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذابٌ عَظِيمٌ**﴾ (نور/ ۱۱)، روایات و گزارش‌ها یکدست و هم‌داستان نیستند. در نخستین دسته و در قدیم‌ترین گزارش به نقل از قتاده (درگذشتهٔ ۱۱۸ق)، تابعی اهل بصره، آمده است که وقتی در سفری، عایشه همسر پیامبر به علت پخش شدن مهره‌های گردن‌بندش از قافلهٔ مسلمانان عقب ماند،

صَفوان بن مُعَطَّل او را بر شترش سوار کرد و خود افسار شتر را به دست گرفت؛ اما گروهی از [منافقان به سرکردگی عبدالله بن اُبَیّ بن سَلول] با پخش شایعه‌ای عایشه را متّهم کردند (یحیی بن سلام، ۱۴۲۵: ۱/ ۴۳۲). براساس گزارش‌های دستهٔ دوم، اتّهام و شایعه متوجّه ماریهٔ قبطیه، دیگر همسر پیامبر اکرم ﷺ، دانسته شده و از عایشه به‌عنوان طراح واقعه نام برده شده است (قمی، ۱۳۶۳: ۲/ ۹۹).

گزارش‌های دستهٔ دوم با بیان قرآن ناسازگار بوده و کاملاً ساختگی هستند (حسینیان مقدّم، ۱۳۸۴: ۱۶۴). همچنین ازآنجاکه روایات اسباب نزول گاهی براساس بینش‌های نادرست، توطئه‌های دشمنان و منافقان و تعصّبات قومی و مذهبی ساخته و پرداخته شده یا دچار تغییر و تحریف و نقل به معنا شده‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۴: ۶۸-۶۹؛ خامنه‌ای، ۱۳۹۳: ۴۳، ۵۶)، نمی‌توان به همهٔ جزئیات مطرح‌شده در گزارش‌های دستهٔ نخست اعتماد کرد. علّامه طباطبایی هر دو دسته را بدون اشکال نمی‌داند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۵/ ۸۹) و بنابر دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای «اصلاً قضیه این نیست که ما بخواهیم ببینیم کدام زن پیامبر بوده که این آیات دربارهٔ تهمت به او نازل شده است ... [زیرا] آیات سورهٔ نور دربارهٔ افک، یعنی سخن دروغی که منافقان و بدخواهان و افراد ناسالم در جامعه پخش و شایع می‌کردند، به‌شدّت حساسیت نشان می‌دهد و چند آیهٔ پی‌درپی با لحن بسیار تندی خطاب به مسلمان‌ها ذکر می‌شود که چرا وقتی شما این شایعه را شنیدید، نسبت به گویندهٔ آن شدّت عمل به خرج ندادید؟ مستفاد از آیات این است و چرا این شایعه را قاطعانه رد نکردید؟ ... چرا وقتی این شایعه را شنیدید، نگفتید که ما حقّ نداریم این شایعه را تکرار کنیم؟ این یک بهتان بزرگ است» (خامنه‌ای، خطبه‌های نماز جمعهٔ تهران ۱۳۶۸/۰۷/۲۸).

۱ـ۳. فراموشی گناه توبه‌کنندگان و کمک مالی به آنان

در سیاق سوم (آیات ۲۱ـ۲۶) کسانی که با شنیدن و دیدن هرگونه خبری آن را پخش کرده و به دیگران فحشا و منکر نسبت می‌دهند، پیروان شیطان معرفی شده‌اند. آنان با

بازگو کردن این‌گونه خبرها به رواج فحشا و زشتی و منکرات دامن می‌زنند و یاریگر شیطان هستند و به این ترتیب زمینهٔ ارتکاب فحشا را برای خود و خانوادهٔشان فراهم می‌آورند: ﴿**یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنوا لا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّیْطانِ وَ مَنْ یَتَّبِعْ خُطُواتِ الشَّیْطانِ فَإِنَّهُ یَأْمُرُ بِالْفَحْشاءِ وَ الْمُنْکَرِ**﴾ (نور/ ۲۱). بنابراین هیچ انسانی نباید به خود غرّه شود و گمان کند که فحشا و منکر فقط از سوی دیگران رخ می‌دهد و او هیچ‌گاه در معرض این خطر و سقوط قرار ندارد؛ بلکه باید با توکّل و تبعیت از فرمان خداوند سمیع و علیم، از او تزکیه و پاکیزگی و دوری از این‌گونه آلودگی‌ها را بخواهد: ﴿**وَ لَوْ لا فَضْلُ اللَّهِ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَتُهُ ما زَکی مِنْکُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَداً وَ لکِنَّ اللَّهَ یُزَکِّی مَنْ یَشاءُ وَ اللَّهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ**﴾ (نور/ ۲۱). همچنین فرد و جامعه نباید به کسانی که به هر علتی در امور جنسی دچار کج‌روی و انحراف شده‌اند، به دیدهٔ حقارت بنگرد؛ بلکه باید با آنانی که توبه کرده‌اند، با عفو و صفح رفتار کند و هرگز گذشته تاریک و گناه‌آلود آنان را به رخشان نکشد: ﴿**وَ لْیَعْفُوا وَ لْیَصْفَحُوا أَلا تُحِبُّونَ أَنْ یَغْفِرَ اللَّهُ لَکُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِیمٌ**﴾ (نور/ ۲۲). افزون بر این باید به مساکین، نزدیکان، مهاجران و نیازمندانی که خود یا یکی از اعضای خانواده‌شان به این آلودگی دچار شده‌اند، رسیدگی کرده و برای حلّ مشکل آنان اقدام کرد تا در مسیر تزکیه و رشد قرار گیرند: ﴿**وَ لا یَأْتَلِ أُولُوا الْفَضْلِ مِنْکُمْ وَ السَّعَةِ أَنْ یُؤْتُوا أُولِی الْقُرْبی وَ الْمَساکِینَ وَ الْمُهاجِرِینَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ**﴾ (نور/ ۲۲). در واقع گناهی که گناهکاران از آن توبه کرده‌اند، نباید مانع ورودشان به اجتماع و فعالیت‌های اجتماعی شود و جامعه نباید همواره آن گناه را به ایشان یادآوری کند؛ زیرا اگر این افراد به گناه قبلی خود بازگردند به سرباز شیطان و شیطان‌صفتان برای ترویج فحشا و منکر در جامعه تبدیل شده و بر آمار زنان و مردان خبیث افزوده خواهد شد.

همچنین در این واحد از مساکین و مهاجرین یادشده؛ یعنی کسانی که زندگی‌شان در وضعیت ثابت و ساکنی باقی مانده و امکان رشد و پیشرفت ندارند و نیز افرادی که براثر فشارهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی خانه و کاشانهٔ خود را رها کرده و به شهر و منطقه‌ای دیگر رفته‌اند. مساکین و مهاجران نمونه‌هایی از گروه‌های اجتماعی‌ای هستند که اگر به مسائل و مشکلات آنان رسیدگی نشود، در معرض فرو افتادن در دام انحرافات

جنسی قرار می‌گیرند.

در پایان این واحد بار دیگر تأکید می‌شود که هرکس به دیگری نسبت زنا و دیگر انحرافات جنسی بدهد، در دنیا و آخرت از رحمت خدا دور بوده و عذابی بسیار بزرگ در انتظار اوست: ﴿**إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَناتِ الْغافِلاتِ الْمُؤْمِناتِ لُعِنُوا فِي الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ وَ لَهُمْ عَذابٌ عَظِيمٌ**﴾ (نور/ ۲۳) و در آخرت و قیامت، دست و پا و زبان این افراد بر دروغ بودن خبری که ساخته‌اند، گواهی می‌دهند: ﴿**يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَ أَيْدِيهِمْ وَ أَرْجُلُهُمْ بِما كانُوا يَعْمَلونَ**﴾ (نور/ ۲۴).

۱ـ ۴. حفظ عفّت و پوشش در مراودات اجتماعی

الف) حفظ عفّت و پوشش عاملی مهم در پیشگیری از آلودگی جنسی است که در سیاق چهارم (آیات ۲۷ـ۳۴) همراه با دو موضوع مهم دیگر مطرح شده است. عفّت در نگاه و روابط اجتماعی را قرآن با توصیه به مردان آغاز می‌کند و این تقدّم نشان‌دهندهٔ اهمیت حفظ عفّت مردان در سالم‌سازی محیط اجتماع است. مردان و زنان باید نگاه خود را به یکدیگر کوتاه کرده و از نگاه ممتد و طولانی بپرهیزند. همچنین هم مردان و هم زنان در مراودات اجتماعی باید پوشش مناسبی داشته باشند: ﴿**قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذلِكَ أَزْكى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِما يَصْنَعُونَ * وَ قُلْ لِلْمُؤْمِناتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ**﴾ (نور/ ۳۰ـ ۳۱).

گرچه بیشتر مترجمان و مفسّران «فروج» را به معنای اندام‌های جنسی و «حفظ فروج» را پرهیز از فواحشی چون زنا و لواط دانسته‌اند (مقاتل، ۱۴۲۳: ۳/ ۱۹۵؛ قمی، ۱۳۶۳: ۲/ ۱۰۱)، در برخی تفاسیر متقدّم، فرج به معنای گریبان و یقهٔ لباس (طبری، ۱۴۱۲: ۱۷/ ۶۷) و حفظ فروج به معنای پوشش بدن آمده است (طبری، ۱۴۱۲: ۱۸/ ۹۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۷/ ۲۱۶). با توجّه به اصل معنایی ریشهٔ «ف‌رج» که دلالت بر باز شدن و گشوده شدن دارد (ابن فارس، ۱۳۸۷: ۴/ ۴۹۹) و هم‌خانوادگی آن با کلمهٔ «فَرَج» (گشایش) و «فَجر» (سپیده‌دم) می‌توان فروج را «شکاف‌های لباس» نیز معنا کرد. بنابراین حفظ فروج یعنی

دقّت در اینکه لباس شکافی نداشته باشد که اندام را بنمایاند (طبرانی، ۲۰۰۸: ۴/ ۴۲۲) و یا چنان نازک نباشد که بدن دیده شود (ماتریدی، ۱۴۲۶: ۷/ ۵۴۶). همچنین مراقبت از باز و سست نشدن شکاف‌های لباس در نشست و برخاست‌ها و روابط اجتماعی و جلوگیری از جلب توجّه نامحرمان به بدن و اندام از مصادیق حفظ فروج است (شریف رضی، ۱۴۰۶: ۲۴۵؛ لسانی فشارکی، «تفسیر سوره‌شناختی آیهٔ حجاب»).

پوشش باید به گونه‌ای باشد که زینت‌های زنان و دختران همچون دست‌بند و گردن‌بند را پنهان نگه دارد و آشکار نکند. البته اگر ناخودآگاه و بدون اختیار زینت‌ها آشکار و دیده شد، اشکالی ندارد و نباید حساسیّت بیجا نشان داد و چنان رفتار کرد که زنان دچار وسواس و عسر و حرج شوند؛ بلکه در این‌گونه مواقع، دیگران به‌ویژه مردان باید چشم خود را فروببندند: ﴿**وَ لا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلاَّ ما ظَهَرَ مِنْها**﴾ (نور/ ۳۱). ازآنجاکه رعایت این مسئله زنان و دختران را از دستبرد دزدان و هوس‌رانان نیز در امان نگه می‌دارد، به زنان و دختران سفارش شده که روسری خود را به گونه‌ای بپوشند که گردن و سینه را کاملاً بپوشاند: ﴿**وَ لْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلى جُيُوبِهِنَّ**﴾ (نور/ ۳۱)؛ چراکه سهل‌انگاری در پوشش و به نمایش گذاشتن زیورآلات قیمتی مردان هوس‌ران را به دزدی و تجاوز به زنان و دختران تشویق می‌کند.

زینت کردن زن برای همسرش لازم و ضروری است؛ ازاین‌رو آشکار بودن زینت زنان و دختران در محیط خانه و در حضور همسر، پدر، پدر همسر، فرزندان، فرزندان همسر، برادران، فرزندان برادران و خواهرانشان، دختران و زنانی که در خانه حضور دارند، کنیزان و غلامان خانه، مردانی که نسبت به زنان و دختران هیچ میل جنسی‌ای ندارند، مردانی غیربردهٔ خانه‌زاد و تابع اهل خانه (مقاتل، ۱۴۲۳: ۳/ ۱۹۶؛ طبری، ۱۴۱۲: ۱۸/ ۹۶) و کودکانی که درکی از مسائل جنسی ندارند، اشکالی ندارد: ﴿**وَ لا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبائِهِنَّ أَوْ آباءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنائِهِنَّ أَوْ أَبْناءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَواتِهِنَّ أَوْ نِسائِهِنَّ أَوْ ما مَلَكَتْ أَيْمانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلى عَوْراتِ النِّساءِ**﴾ (نور/ ۳۱). هدف از این توصیه‌ها رعایت عفّت است؛ بنابراین زنان و دختران نباید

زینت‌های خویش را به‌عمد آشکار کنند و نباید چنان راه بروند که کسی از وجود زینت‌های پنهان و پوشیدهٔ آنان آگاه شود؛ یعنی چنان رفتار نکنند که ظاهر آن حفظ فروج و باطنش برملا کردن زینت‌ها و جلب توجّه دیگران باشد: ﴿**وَ لا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ ما يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ**﴾ (نور/ ۳۱). البته آن مقداری از زینت‌ها که ناخواسته آشکار می‌شوند، حَرَجی ایجاد نمی‌کند که سزاوار رفتار قهرآمیز و عتاب و بازخواست دیگران باشد: ﴿**فَإِنَّ اللَّهَ ... غَفُورٌ رَحِيمٌ**﴾ (نور/ ۳۳). خداوند از همهٔ مردان، زنان، دختران و پسران می‌خواهد که برای رستگاری و فلاح به او رو بیاورند؛ چراکه بدون یاری و نصرت خداوند این مهم صورت نخواهد گرفت: ﴿**وَ تُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ**﴾ (نور/ ۳۱).

وجود پوشش بدن با لباس مناسب و مزیّن و لباسی که به‌اندازه باشد؛ یعنی نه خیلی بلند که روی زمین کشیده شود و نه خیلی کوتاه که اندام دیده شود و نه خیلی گشاد و وارفته یا خیلی تنگ و بدن‌نما چنان اهمیتی دارد که خداوند حکیم از همان آغاز خلقتِ آدم و حوّا بر آنان لباس پوشاند: ﴿**يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُوَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ**﴾ (اعراف/ ۲۶). همچنین آدم و حوا وقتی بر اثر خوردن از شجرهٔ ممنوعه لباسشان فرو ریخت، با برگ درختان باغ[1] خود را پوشاندند: ﴿**فَأَكَلا مِنها فَبَدَت لَهُما سَوْآتُهُما وَطَفِقا يَخصِفانِ عَلَيْهِما مِن وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوى**﴾ (طه/ ۱۲۱) و ﴿**فَلَمّا ذاقا الشَّجَرَةَ بَدَت لَهُما سَوْآتُهُما وَطَفِقا يَخصِفانِ عَلَيْهِما مِن وَرَقِ الجَنَّةِ**﴾ (اعراف/ ۲۲). ازاین‌رو خداوند از همهٔ فرزندان آدم خواسته است که از فتنه‌انگیزی شیطان برحذر باشند تا شیطان نتواند با وسوسه‌انگیزی لباسشان را از تن جدا کرده و آنان را از طاعت و بندگی خارج کند: ﴿**يا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِنَ الْجَنَّةِ يَنزِعُ**

---

۱. جنّت در داستان آدم ابوالبشر به معنای باغی بر روی زمین است و نه بهشت موعود. حسن بن بشّار از امام صادق علیه‌السلام دربارهٔ جنّت آدم پرسید، امام فرمودند: «جنّةٌ مِن جنّات الدّنیا تطلع علیه فیها الشّمس والقمر ولو کانت مِن جنّات الخلد ما خرج منها أبدا»؛ باغی از باغ‌های دنیا بود که خورشید و ماه بر آن می‌تابید و اگر آن باغ از باغ‌های جاودان [در بهشت] بود، هرگز آدم از آن بیرون رانده نمی‌شد (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۲/ ۶۰۰).

عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا﴾ (اعراف/ ۲۷).

ب) یکی از زمینه‌های آلودگی جنسی ورود به مکان‌هایی است که فرد از ساکنان آنجا اطّلاع و شناخت درستی ندارد؛ ازاین‌رو خداوند غفور رحیم از مخاطبان قرآن می‌خواهد که بدون آشنایی و آگاهی قبلی، سرزده و بی‌اجازه به منازل، اتاق‌ها و مکان‌هایی که فرد یا افرادی در آن‌ها زندگی می‌کنند، وارد نشوند: **﴿یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تَدْخُلُوا بُیُوتاً غَیْرَ بُیُوتِکُمْ حَتَّی تَسْتَأْنِسُوا وَ تُسَلِّمُوا عَلی أَهْلِها ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ لَعَلَّکُمْ تَذَکَّرُونَ﴾** (نور/ ۲۷). این اجازه باید با «سلام» بر اهل آن منزل یا اتاق انجام بگیرد و چنانچه کسی در آنجا نبود و پاسخ سلام را نداد و یا قراین نشان‌دهندهٔ حضور کسی بود؛ ولی جواب سلام نیامد و اجازه ورود داده نشد، باید برگشت و اصراری بر وارد شدن نداشت. رعایت این مسئله سبب تزکیه و در امان ماندن از آسیب‌های احتمالی خواهد بود: **﴿فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِیها أَحَداً فَلا تَدْخُلُوها حَتّی یُؤْذَنَ لَکُمْ وَ إِنْ قِیلَ لَکُمُ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْکی لَکُمْ وَ اللَّهُ بِما تَعْمَلُونَ عَلِیمٌ﴾** (نور/ ۲۸). همچنین کسب اجازه زمینهٔ آماده شدن میزبان را فراهم می‌کند تا او و میهمان بتوانند در وضعیتی مناسب با یکدیگر روبه‌رو شوند.

ج) بسترسازی برای ازدواج یکی از راه‌های پیشگیری از انحرافات جنسی در جامعه است؛ بنابراین یکایک افراد جامعه و حاکمان وظیفه دارند که زمینهٔ ازدواج مردان بی‌همسر، غلامان و کنیزان آمادهٔ ازدواج را فراهم آورند: **﴿وَ أَنْکِحُوا الْأَیامی مِنْکُمْ وَ الصَّالِحِینَ مِنْ عِبادِکُمْ وَ إِمائِکُمْ إِنْ یَکُونُوا فُقَراءَ یُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ واسِعٌ عَلِیمٌ﴾** (نور/ ۳۲). البته کسانی که زمینهٔ ازدواج برایشان فراهم نیست، باید عفّت و پاک‌دامنی پیشه کنند تا خداوند آنان را از فضل خود بی‌نیاز کند: **﴿وَ لْیَسْتَعْفِفِ الَّذِینَ لا یَجِدُونَ نِکاحاً حَتَّی یُغْنِیَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ﴾** (نور/ ۳۳). همچنین نظام اسلامی موظّف است جلوی هرگونه سوءاستفاده از دختران و کنیزان به‌عنوان بردهٔ جنسی را بگیرد و نگذارد کسانی از این راه به تجارت بپردازند: **﴿وَ لا تُکْرِهُوا فَتَیاتِکُمْ عَلَی الْبِغاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّناً لِتَبْتَغُوا عَرَضَ الْحَیاةِ الدُّنْیا﴾** (نور/ ۳۳).

این آموزه‌ها و تعالیم وقتی درونی می‌شود و فلاح و رستگاری فرد و جامعه را به ارمغان می‌آورد که همهٔ افراد جامعه، اعم از زنان و مردان، کودکان و غلامان به خداوند روی

بیاورند، خواهان تعلّم ادب الهی باشند، حضور و نظارت خداوند غفور رحیم و واسع علیم را در همهٔ لحظات زندگی فردی و اجتماعی درک کنند و نام و یاد او را حفظ کنند: ﴿وَ لَقَدْ أَنْزَلْنا إِلَيْكُمْ آياتٍ مُبَيِّناتٍ وَ مَثَلاً مِنَ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ وَ مَوْعِظَةً لِلْمُتَّقِينَ﴾ (نور/ ۳۴) و بدانند که خداوند بر همهٔ اسرار آنان و آنچه انجام می‌دهند، آگاه است و اشراف کامل دارد: ﴿وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ * ... إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ﴾ (نور/ ۲۹-۳۰).

۱ـ ۵. غفلت نکردن از ذکر و تسبیح خدا در خانواده و اجتماع

در واحد موضوعی پنجم (آیات ۳۵ـ ۴۰)، نقش و اهمیت خانه و خانواده در پیشگیری از انحرافات جنسی تبیین می‌شود. اگر اهل خانه ـ و البته با تعمیم مفهوم بیت به هر مکانی که جمعی در آن حضور دارند؛ مانند دانشگاه، کارخانه، مدرسه، اداره و ...ـ به آخرت و قیامت ایمان داشته باشند، صبح و شام اهل ذکر و تسبیح خدا باشند، تجارت و کسب‌وکار آنان را از یاد خدا غافل نکند، نماز به‌پا دارند و زکات (حقوق مردم و نیازمندان) را پرداخت کنند و مسئولیت‌پذیر باشند، خداوند به بهترین و زیباترین وجه ممکن به آنان جزا و پاداش داده و بی‌حساب روزی‌شان خواهد داد: ﴿فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيها بِالْغُدُوِّ وَ الْآصالِ * رِجالٌ لا تُلْهِيهِمْ تِجارَةٌ وَ لا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ إِقامِ الصَّلاةِ وَ إِيتاءِ الزَّكاةِ يَخافُونَ يَوْماً تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَ الْأَبْصارُ * لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ ما عَمِلُوا وَ يَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشاءُ بِغَيْرِ حِسابٍ﴾ (نور/ ۳۶-۳۸).[۱]

براساس آیهٔ ۳۵ سورهٔ نور که به «آیة النور/ آیهٔ نور» مشهور است، هر نوری که در زمین و

---

۱. همچنین بنگرید به: ﴿وَ قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَ لا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجاهِلِيَّةِ الْأُولى وَ أَقِمْنَ الصَّلاةَ وَ آتِينَ الزَّكاةَ وَ أَطِعْنَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ إِنَّما يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً * وَ اذْكُرْنَ ما يُتْلى فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آياتِ اللَّهِ وَ الْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كانَ لَطِيفاً خَبِيراً * إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِماتِ وَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِناتِ وَ الْقانِتِينَ وَ الْقانِتاتِ وَ الصَّادِقِينَ وَ الصَّادِقاتِ وَ الصَّابِرِينَ وَ الصَّابِراتِ وَ الْخاشِعِينَ وَ الْخاشِعاتِ وَ الْمُتَصَدِّقِينَ وَ الْمُتَصَدِّقاتِ وَ الصَّائِمِينَ وَ الصَّائِماتِ وَ الْحافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَ الْحافِظاتِ وَ الذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيراً وَ الذَّاكِراتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَ أَجْراً عَظِيماً﴾ (احزاب/ ۳۳ـ ۳۵).

آسمان و همهٔ عالم هستی وجود دارد از خدا سرچشمه می‌گیرد (لسانی فشارکی، تفسیر سوره‌شناختی آیهٔ نور): ﴿اللَّهُ نُورُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكاةٍ فِيها مِصْباحٌ الْمِصْباحُ فِي زُجاجَةٍ الزُّجاجَةُ كَأَنَّها كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لا شَرْقِيَّةٍ وَ لا غَرْبِيَّةٍ يَكادُ زَيْتُها يُضِيءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ نُورٌ عَلى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشاءُ وَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثالَ لِلنَّاسِ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾. بنابراین نور و روشنایی ظاهری و علم و آگاهی، هر دو، در پیشگیری از انحرافات جنسی مؤثّرند. محیط‌های تاریک و خانه‌های خالی از یاد خداوند زمینهٔ انحراف جنسی را فراهم می‌کنند؛ یعنی قلب و زبانی که متذّکر به اسماء الحسنای الهی نباشد، از صحنه‌ها و حرف‌های جنسی پر شده و فرد ناخودآگاه به وادی زنا کشیده می‌شود. همچنین بیکاری و بی‌برنامگی و کار فراوان بدون توجّه به کیفیت و هدف از انجام آن به‌گونه‌ای که انسان را از یاد خدا و قیامت و خانواده غافل کند، آسیب‌زا و زمینهٔ بزهکاری انسان و خانواده را فراهم می‌آورد. بنابراین سبک زندگی و نوع تفکّر و باور انسان به خدا و جهان در پیشگیری یا رواج آلودگی‌های جنسی نقش مهمّی دارد.

از تعبیر ﴿أَحْسَنَ ما عَمِلُوا﴾ و آیهٔ ﴿اللهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ این نکتهٔ مهم به دست می‌آید که اگر هنر و ظرافت‌های هنری در سبک زندگی و معماری رعایت نشود و انسان‌ها یاد نگیرند که هر کار خوبی را به نحو احسن و به زیباترین شکل ممکن انجام دهند، زمینهٔ انحراف در آنان به وجود خواهد آمد. همچنین تعبیرهای دقیق خداوند از چگونگی تابش، جلوه‌گری، گسترش و تأثیرگذاری نور در عالم ـ که آن را به مشکاتی (چراغدانی) تشبیه کرده که درون آن مصباح (فتیلهٔ مشتعل) وجود دارد و زجاجهٔ (شیشه) روی آن بازتاب نور را چند برابر می‌کند ـ می‌تواند نوعی تشبیه ناظر به اهمیت پوشش نیز باشد؛ یعنی پوشش زنان و مردان و زمان و موقعیتی که در اجتماع حضور می‌یابند، کارآمدی، بهروزی و شعاع وجودی آنان را چندبرابر کرده و موجب روشنایی ذهن و قلب و محیط اجتماعی می‌شود تا جامعه اسیر ظلمت‌ها، توهّم‌ها و سراب‌ها نشده و از صراط مستقیم به راه‌های شرقی و غربی منحرف نشود و به ته درّه‌ها و کف دریاهای عمیق سقوط نکند یا در بیابان‌های خشک و سوزان گرفتار نشود و به هلاکت نرسد: ﴿وَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمالُهُمْ كَسَرابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ

الظَّمْآنُ ماءً حَتَّى إِذا جاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئاً وَ وَجَدَ اللَّهَ عِنْدَهُ فَوَفَّاهُ حِسابَهُ وَ اللَّهُ سَرِيعُ الْحِسابِ * أَوْ كَظُلُماتٍ فِي بَحْرٍ لُجِّيٍّ يَغْشاهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ سَحابٌ ظُلُماتٌ بَعْضُها فَوْقَ بَعْضٍ إِذا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكَدْ يَراها وَ مَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُوراً فَما لَهُ مِنْ نُورٍ﴾ (نور/ ۳۹-۴۰).

تقابل نور و ظلمت، حقیقت و توّهم (سراب)، ایمان و کفر و کیفیت آن‌ها در این واحد موضوعی بسیار قابل تأمّل است. نور و ایمان موجب حرکت و بهجت، برکت و رفعت و هدایت و رزق بی‌شمار شده و در مقابل، ظلمت و کفر و رفتارها و اعتقادات نادرست به سرگردانی و حیرانی، کوری و اضطراب و تشنگی و عطش بی‌پایان آدمی می‌انجامد؛ به‌گونه‌ای که آشفتگی و پریشانی، فشار و سختی و درماندگی و بیچارگی در او موج خواهد زد.

۱ـ ۶. دیدن ربوبیت فراگیر خداوند در همهٔ اجزای هستی

الف) در واحد و رکوع ششم (آیات ۴۱ـ۵۰)، پس از بیان اینکه همهٔ هستی در حال حرکت و تسبیح و صلات برای خداوند علیم است و مسیر همهٔ هستی به خدا ختم می‌شود، از طریق ذکر سه مثال از پدیده‌های فراوان آفرینش، ربوبیّت سرتاسری و علیم بودن خداوند بر همهٔ جزئیات و کلّیات هستی از جمله آگاهی بر رفتارها، گفتارها و پندارهای انسان به نمایش گذاشته می‌شود تا همگان بدانند که تحت تعلیم و تربیت خداوند بزرگ قرار دارند و بدون توسّل و روی آوردن به خدا و توکّل بر او نمی‌توانند مسیر پر فراز و نشیب زندگی دنیا را که گاه چون دریا طوفانی و گاه چون صحرا سوزان و خشک است به سلامت بپیمایند و به فلاح و سعادت برسند: **﴿أَ لَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَنْ فِي السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ الطَّيْرُ صَافَّاتٍ كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلاتَهُ وَ تَسْبِيحَهُ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِما يَفْعَلُونَ * وَ لِلَّهِ مُلْكُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ إِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ**﴾ (نور/ ۴۱-۴۲).

مثال اول: تشکیل ابر و ریزش باران و تگرگ همه به دست خداست. خداوند تگرگ را به هرکس و هرچیزی که بخواهد می‌رساند و از هرکس و هرچیزی که بخواهد، بازمی‌دارد: **﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُزْجِي سَحاباً ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكاماً فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلالِهِ وَ يُنَزِّلُ مِنَ السَّماءِ مِنْ جِبالٍ فِيها مِنْ بَرَدٍ فَيُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشاءُ وَ يَصْرِفُهُ عَنْ مَنْ يَشاءُ يَكادُ سَنا بَرْقِهِ يَذْهَبُ بِالْأَبْصارِ**﴾ (نور/ ۴۳).

مثال دوم: ایجاد شب و روز و جابه‌جایی و تغییر طول زمانشان و دیگر اتّفاقات روی‌دهنده در این دو پدیده، همه به دست خداوند بصیر انجام می‌گیرد تا مردم صاحب بصیرت شوند و دست باکفایت الهی را ورای ظاهر همهٔ پدیده‌های آفرینش ببینند و به این ترتیب، بر همهٔ امور زندگی فردی و اجتماعی خویش اشراف و آگاهی بیابند: ﴿**يُقَلِّبُ اللَّهُ الَّيْلَ وَ النَّهارَ إِنَّ فِي ذلِكَ لَعِبْرَةً لِأُولِي الْأَبْصارِ**﴾ (نور/ ۴۴).

مثال سوم: خداوند همهٔ موجودات زنده و جنبنده را از آب آفریده است که بعضی بدون پا و بعضی دیگر بر روی دو پا و یا چهارپا حرکت می‌کنند و ازآنجاکه خداوند بر هر کاری تواناست، افزون بر این موجودات نیز هرگونه که بخواهد، می‌آفریند: ﴿**وَ اللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ ماءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلى بَطْنِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلى رِجْلَيْنِ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ ما يَشاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ**﴾ (نور/ ۴۵).

دو بار به کار بردن ترکیب «الم تر» و دو بار واژهٔ «ابصار» در این واحد موضوعی بیانگر این مطلب است که خوب و درست ندیدن سبب می‌شود انسان بصیرت لازم و کافی برای دیدن آیات مبیّن خداوند و باورها و رفتارهای درست در زندگی را از دست داده و دچار ظلم، اِعراض (روی‌گردانی غافلانه)، مرض، ریب (دودلی و اضطراب ویرانگر) و سرانجام خروج از صراط مستقیم و بندگی که نور و حقیقت محض است، شود. چنین انسان و جامعه‌ای تن به انواع آلودگی‌ها و انحرافات خواهد داد؛ یعنی ظلمات متراکم و سراب که در سیاق قبلی (پنجم) به آن اشاره شد، در نتیجهٔ رفتارها، نیّت‌ها و باورهای غلط و نادرست انسان و اجتماع شکل می‌گیرد.

نکتهٔ جالب توجّه اینکه در سیاق چهارم نیز ریشهٔ «غضّ» و واژهٔ «ابصار» هرکدام دوبار تکرار شده‌اند. این امر و نیز دو بار تکرار شدن «الم تر» در واحد ششم و «ظلمات» در واحد پنجم نشان‌دهندهٔ اهمیت بسیار بالای کمیت و کیفیت و موضوع نگاه انسان در سعادت و شقاوت اوست و اینکه کنترل و مدیریت نکردن نگاه چه آسیب‌هایی، از جمله انحرافات جنسی در پی دارد. بنابراین هرگز انسان نباید به خود غرّه شود و تزکیه و سلامت فعلی خود را همیشگی فرض کند؛ بلکه برای حفظ آن لازم و واجب است که ارتباط و

پیوند دائمی خویش را با خداوند و رسول خدا مستحکم کرده، از دعا و نیایش و تسبیح غافل نشود، از ضعف و سستی و وارفتگی و تنبلی برحذر باشد و دیگرانی را که به آلودگی‌های مختلف دچار شده‌اند، تحقیر و بی‌ارزش نپندارد و آنان را از مواهب زندگی محروم نکند: ﴿**لَقَدْ أَنْزَلْنا آياتٍ مُبَيِّناتٍ وَ اللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشاءُ إِلى صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ**﴾ (نور/ ۴۶).

ب) در ادامۀ سیاق از گروهی مسلمان‌نما و بزهکار یاد می‌شود که در اصطلاح قرآن «منافقان» نام دارند. این گروه از طریق «افک»های مختلف درصدد «تشییع فاحشه» در جامعۀ اسلامی هستند (نور/ ۱۱-۲۰). اینان به‌ظاهر از ایمان به خدا و رسول و اطاعت از ایشان دم می‌زنند؛ ولی در عمل از حکمیت و تعالیم رسول خدا روی‌گردان بوده و فقط درصورت تأمین منافعشان گه‌گاه نزد رسول خدا می‌روند و حکمیّت وی را می‌پذیرند. این افراد به علت مرض و ریبی که در قلب خود دارند، «ظالم»اند: ﴿**وَ يَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالرَّسُولِ وَ أَطَعْنا ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِنْهُمْ مِنْ بَعْدِ ذلِكَ وَ ما أُولئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ * وَ إِذا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذا فَرِيقٌ مِنْهُمْ مُعْرِضُونَ * وَ إِنْ يَكُنْ لَهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ * أَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَمِ ارْتابُوا أَمْ يَخافُونَ أَنْ يَحِيفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ رَسُولُهُ بَلْ أُولئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ**﴾ (نور/ ۴۷-۵۰).

بنابر آیات پیش‌گفته، نخست معنای تسبیح و صلات تعریف می‌شود که انسان زمانی مؤمن و اهل تسبیح و صلات است که در همان صراط مستقیمی که خداوند تعیین کرده، حرکت کند و حرکت و زندگی‌اش با بصیرت، عاشقانه و حامدانه و فقط برای خداوند باشد و ارتباطش با رسول خدا پیوسته و دائمی بوده و هیچ‌گاه از رسول خدا ﷺ و آموزه‌های آن حضرت رو برنگرداند. بنابراین ایمان به رسول خدا و پیوند و ارتباط با ایشان و تبعیت از آموزه‌ها و تعالیم آن حضرت ﷺ یکی از عوامل مهم پیشگیری از انحرافات جنسی است و البته همچنین شناخت گروه‌های منافق که در پس چهرۀ مؤمن‌نمای خویش درصدد دامن زدن به انحرافات جنسی و برهم زدن امنیت روانی جامعه هستند، نقش مهمّی در پیشگیری از ترویج فساد و فحشا دارد.

۱ـ ۷. اطاعت‌پذیری از رسول خدا ﷺ و امام

رکوع و واحد هفتم سورهٔ نور (آیهٔ ۵۱ ـ۵۷) ناظر به اهمیت و ضرورت اطاعت‌پذیری از رسول خداست؛ زیرا این مهم در جلوگیری از انحرافات مختلف، از جمله آلودگی جنسی نقش بسزایی دارد. ازاین‌رو مؤمنان و شهروندان باید حرمت و شأن رسول خدا ﷺ را به طور کامل رعایت کنند و حکمیت و داوری و آموزه‌ها و تعالیم ایشان را با جان و دل پذیرا باشند تا رسول خدا ﷺ به پشتیبانی مردم بتواند با کج‌روان و کافران و منافقانی که درصدد تضعیف جایگاه دین خدا در میان مردم و جامعه هستند، برخورد کرده و انواع توطئه‌ها و دسیسه‌های آنان را که با چرب‌زبانی و قسم‌های دروغ همراه است، خنثی کند: ﴿**إِنَّما كانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنا وَ أَطَعْنا وَ أُولئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ * وَ مَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ يَخْشَ اللَّهَ وَ يَتَّقْهِ فَأُولئِكَ هُمُ الْفائِزُونَ * وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمانِهِمْ لَئِنْ أَمَرْتَهُمْ لَيَخْرُجُنَّ قُلْ لا تُقْسِمُوا طاعَةٌ مَعْرُوفَةٌ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِما تَعْمَلُونَ * قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّما عَلَيْهِ ما حُمِّلَ وَ عَلَيْكُمْ ما حُمِّلْتُمْ وَ إِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَ ما عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلاغُ الْمُبِينُ * وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً يَعْبُدُونَنِي لا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئاً وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذلِكَ فَأُولئِكَ هُمُ الْفاسِقُونَ * وَ أَقِيمُوا الصَّلاةَ وَ آتُوا الزَّكاةَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ * لا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَ مَأْواهُمُ النَّارُ وَ لَبِئْسَ الْمَصِيرُ**﴾ (نور/۵۱-۵۷).

بنابراین آموزه‌های دین در جامعه زمانی عملیاتی می‌شود که مردم حاکمیت دین و عمل به آموزه‌های دین را بخواهند: ﴿**لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ**﴾ (حدید/ ۲۵) و در پیروی از فرمان‌های رسول خدا ﷺ و امام جامعه کوشا و خلّاق باشند. شش بار تکرار کلمهٔ «اطاعت» از رسول خدا ﷺ در این واحد موضوع بسیار قابل توجّهی است. اقامهٔ نماز و پیوند دائمی به خدا و ایتای زکات (رسیدگی به نیاز مردم و حلّ مشکلات آنان) رحمت و فلاح و فوز را به ارمغان می‌آورد و پشتوانهٔ حاکمیت دین است؛ در غیر این صورت، کافران و منافقان سررشتهٔ امور جامعه را

به دست می‌گیرند و مردم و جامعه را به سوی کفر و شرک، فسق و نفاق و پرتگاه آتش و سقوط می‌کشانند و امنیت را از بین می‌برند و ترس و وحشت را فراگیر می‌کنند.

پدیدهٔ افک در همین راستا از سوی گروهی هم‌فکر و همراه به سرکردگی منافقان ﴿**وَ الَّذی تَوَلّی کِبرَهُ مِنهُم**﴾ (نور/ ۱۱) برای ضربه زدن به جایگاه و موقعیت پیامبر اکرم ﷺ طرّاحی شد و با همراهی ﴿**الَّذینَ فی قُلوبِهِم مَرَضٌ**﴾ (محمّد/ ۲۹؛ احزاب/ ۶۰) و مسلمانان ساده‌لوح پخش و شایع شد.

۱ـ ۸. تعلیم کودکان به کسب اجازه برای ورود به اتاق والدین در سه زمان مشخص

الف) در سیاق و واحد موضوعی هشتم (آیات ۵۸ـ۶۱)، برای پیشگیری از انحراف جنسی در کودکان و کسانی که در فضای خانواده خدمت می‌کنند، به پدر و مادر و مسلمانان تعلیم داده می‌شود به فرزندانی که هنوز به سن بلوغ نرسیده‌اند و نیز به غلامان و کنیزان بیاموزند در سه زمان برای ورود به اتاق پدر و مادر و مولایشان اجازه بگیرند: قبل از نماز صبح، هنگام ظهر که افراد به طور معمول لباس بیرون را از تن جدا کرده و پوشش کمتری دارند و پس از نماز عشاء: ﴿**یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لِیَسْتَأْذِنْکُمُ الَّذِینَ مَلَکَتْ أَیْمانُکُمْ وَ الَّذِینَ لَمْ یَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْکُمْ ثَلاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلاةِ الْفَجْرِ وَ حِینَ تَضَعُونَ ثِیابَکُمْ مِنَ الظَّهِیرَةِ وَ مِنْ بَعْدِ صَلاةِ الْعِشاءِ ثَلاثُ عَوْراتٍ لَکُمْ لَیْسَ عَلَیْکُمْ وَ لا عَلَیْهِمْ جُناحٌ بَعْدَهُنَّ طَوّافُونَ عَلَیْکُمْ بَعْضُکُمْ عَلی بَعْضٍ**﴾ (نور/ ۵۸).

اجازه گرفتن برای ورود به اتاق سبب پیشگیری از روبه‌رو شدن کودک و دیگران با صحنه‌هایی می‌شود که موجب تحریک و انحراف جنسی هستند. همچنین از این طریق اطاعت‌پذیری و قانون‌مداری و رعایت حرمت‌ها از کودکی به فرزندان منتقل می‌شود. پس از مرحلهٔ بلوغ نیز همواره کسب اجازهٔ ورود برای فرزندان شایسته و ضروری است: ﴿**وَ إِذا بَلَغَ الْأَطْفالُ مِنْکُمُ الْحُلُمَ فَلْیَسْتَأْذِنُوا کَما اسْتَأْذَنَ الَّذِینَ مِنْ قَبْلِهِم**﴾ (نور/ ۵۹).

پیش از این در آیهٔ ۳۱ سورهٔ نور گفته شد که زنان نباید زینت‌های خود را در حضور کودکانی که به تفاوت‌های اندام جنسی زن و مرد آگاهی دارند، آشکار کنند؛ بلکه باید پوشش و عفّت لازم را رعایت کنند تا زمینهٔ انحراف جنسی در کودکان ایجاد نشود. در

آموزه‌های پیامبر اکرم ﷺ و ائمهٔ طاهرین علیهم‌السلام نیز بر اهمیت و ضرورت این مسئله تأکید شده؛ از جمله رسول خدا ﷺ فرموده‌اند: «وَالَّذی نَفْسی بِیَدِهِ لَوْ اَنَّ رَجُلاً غَشِیَ امْرَاَتَهُ وَ فِی الْبَیْتِ صَبیٌّ مُسْتَیْقِظٌ یَراهُما وَیَسْمَعُ کَلامَهُما وَ نَفَسَهُما ما اَفْلَحَ اَبَداً اِذا کانَ غُلاماً کانَ زانیاً اَوْ جارِیَةً کانَتْ زانیَةً» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/ ۵۰۰)؛ سوگند به کسی که جانم در دست اوست، اگر کسی با همسرش درآمیزد و در اتاق کودکی بیدار باشد که آنان را ببیند و سخن گفتن و صدای نَفَس آنان را بشنود، هرگز رستگار نمی‌شود؛ اگر پسر باشد، مردی زناکار و اگر دختر باشد، زنی زناکار می‌شود. همچنین پیامبر اکرم ﷺ فرموده‌اند: «إِذا بَلَغَ أَوْلادُکُمْ سَبْعَ سِنینَ فَفَرِّقوا بَیْنَ فُرُشِهِمْ» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۱/ ۳۱۷)؛ هرگاه کودکانتان به هفت سالگی رسیدند، رختخواب‌هایشان را جدا کنید.

از اینجا ارتباط واحد موضوعی هفتم و هشتم مشخص می‌شود؛ اگر اطاعت و مسؤلیت‌پذیری از کودکی آموزش داده شود، فرد در بزرگ‌سالی فردی مسئول و طاعی خواهد بود.

علت تأکید قرآن بر تبیین آیات و آموزه‌های لازم این است که همهٔ مسائل تربیتی به‌وضوح و روشنی در دسترس همگان قرار گیرد و از سوی همه درک و فهم شود تا خانه و خانواده حکیمانه و عالمانه اداره شود: ﴿**کَذلِکَ یُبَیِّنُ اللَّهُ لَکُمُ الْآیاتِ وَ اللَّهُ عَلِیمٌ حَکِیمٌ**﴾(نور/ ۵۸).

ب) در آیهٔ ۶۰ سورهٔ نور: ﴿**وَ الْقَواعِدُ مِنَ النِّساءِ اللاَّتِی لا یَرْجُونَ نِکاحاً فَلَیْسَ عَلَیْهِنَّ جُناحٌ أَنْ یَضَعْنَ ثِیابَهُنَّ غَیْرَ مُتَبَرِّجاتٍ بِزِینَةٍ وَ أَنْ یَسْتَعْفِفْنَ خَیْرٌ لَهُنَّ**﴾، با ذکر این نکته که زنان سال‌خورده‌ای که دیگر امیدی به ازدواج آنان نیست، می‌توانند نسبت به دیگر زنان لباس کمتری بپوشند (در حدیث مصداق آن خِمار و جِلباب بیان شده است. بنگرید به: کلینی، ۱۴۰۷، ۵/ ۵۲۲) که البته نباید با تبرّج و نمایش زینت همراه باشد، دوباره بر اهمیّت پوشش و لباس و نوع رفتار برای پیشگیری از انحرافات جنسی تأکید شده و عفّت به‌عنوان عاملی بسیار مهم و کارآمد در حفظ سلامت جنسی فرد و خانواده و جامعه معرّفی می‌شود. بنابراین پوشش وقتی در پیشگیری از انحرافات جنسی مؤثّر واقع خواهد شد که مردان و زنان در روابط اجتماعی عفّت داشته باشند و نیّت و زبان و حرکات و

رفتارشان از هرگونه شائبهٔ جلب توجّه دیگران به زینت‌ها، زیبایی‌ها و اندامشان عاری باشد[۱] و بدانند که خداوند به همهٔ خطورات قلبی و نیّت‌های آنان عالم و آگاه است و همهٔ آن‌ها را می‌شنود و می‌داند: ﴿**وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ**﴾ (نور/ ۶۰).

در ادامهٔ سیاق، خداوند حکیم برای اینکه وضع احکام و قوانین یادشده سبب دوری مردم از یکدیگر و مشقّت در روابط اجتماعی و کم‌رنگی صمیمیّت و دوستی و آرامش و آسایش میان اعضای خانواده و بستگان و خویشان نشود و نیز جلوگیری از تسری کسب اجازه به دیگر اموری که کسب اجازه برای آن‌ها لازم نیست، این نکتهٔ مهم را یادآور می‌شود که وقتی در منزل پدرانتان، مادرانتان، برادرانتان، خواهرانتان، عموها، عمّه‌ها، دایی‌ها، خاله‌ها، و منزلی که اختیار آن را به شما سپرده‌اند و منزل دوستانتان مستقر شدید، برای خوردن و آشامیدن لازم نیست اجازه بگیرید و می‌توانید آنچه را که در منزل ایشان یافتید همه یا قسمتی از آن را بخورید: ﴿**لَيْسَ عَلَى الْأَعْمى حَرَجٌ وَ لا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَ لا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ وَ لا عَلى أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَواتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمامِكُمْ أَوْ بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخْوالِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خالاتِكُمْ أَوْ ما مَلَكْتُمْ مَفاتِحَهُ أَوْ صَدِيقِكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُناحٌ أَنْ تَأْكُلُوا جَمِيعاً أَوْ أَشْتاتاً**﴾ (نور/ ۶۱).

نام بردن از خویشاوندان در آیهٔ پیش‌گفته بیان‌کنندهٔ این نکته است که رفت‌وآمد درست با خویشان و دوستان یکی از عوامل ایجاد و تثبیت سلامت روانی افراد جامعه بوده و در پیشگیری از انحرافات جنسی بسیار مؤثّر است؛ زیرا یکی از زمینه‌های گرایش به روابط نادرست و مخفیانه میان نامحرمان که به زنا و مانند آن می‌انجامد، این است که فرد احساس تنهایی می‌کند و برای برطرف کردن این نیاز به همدمی و هم‌نشینی با نامحرمان و گروه‌های کج‌رو و کج‌اندیش روی می‌آورد.

برای اینکه هم حضور خداوند در همهٔ احوال و در همه‌جا درک شود و انسان‌ها از یاد

---

۱. چنان‌که در آیهٔ ۳۲ سورهٔ احزاب آمده است: ﴿**فَلا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَ قُلْنَ قَوْلاً مَعْرُوفاً**﴾.

او غافل نشوند و بدانند که خداوند همواره با آنان است و هم اینکه با ورود به منازل و مکان‌ها میان حاضران رابطه‌ای خوشایند و صمیمانه برقرار شود، به سلام کردن به اهل آن خانه و مکان توصیه شده تا از این طریق اشتیاق واردشونده برای این دیدار به مخاطب منتقل شود: ﴿**فَإِذا دَخَلْتُمْ بُيُوتاً فَسَلِّمُوا عَلى أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبارَكَةً طَيِّبَةً كَذلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآياتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ**﴾ (نور/ ۶۱)؛ چراکه اگر سلام گفته نشود یا درست و کامل همراه با شوق و علاقه بیان و ادا نشود، جای آن را لغو، ذهنیت‌های نادرست و سوءتفاهم‌ها می‌گیرد: ﴿**لا يَسمَعونَ فيها لَغوَاً اِلّا سَلاماً**﴾ (مریم/ ۶۲).

۱ـ ۹. ایمان به حضور خداوند در همهٔ لحظات و ایمان به آخرت و حسابرسی کارها

آنچه تاکنون دربارهٔ راه‌های پیشگیری از انحرافات جنسی بیان شد، زمانی مانا و پایدار خواهد بود که سه‌گانهٔ ایمان به حضور دائم و عالمانهٔ خداوند غفور رحیم در همهٔ لحظات زندگی، ایمان به آخرت و حسابرسی همهٔ کارهای انسان و ایمان به رسول خدا ﷺ و پیوند و تبعیت محض از ایشان پشتوانهٔ معرفتی آن باشد که این مهم در آخرین واحد موضوعی سورهٔ نور، رکوع نهم (آیات ۶۲ـ ۶۴) تبیین شده است: ﴿**أَلا إِنَّ لِلَّهِ ما فِي السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ قَدْ يَعْلَمُ ما أَنْتُمْ عَلَيْهِ وَ يَوْمَ يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيُنَبِّئُهُمْ بِما عَمِلُوا وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ**﴾ (نور/ ۶۴).

حضور رسول خدا ﷺ در میان مردم ایمان به خدا و آخرت و قیامت را نگهبانی کرده و امتداد می‌بخشد؛ ازاین‌رو همواره کسانی از درون جامعهٔ اسلامی با خط‌دهی کافران و مشرکان بیرون از جامعهٔ اسلامی برای تضعیف جایگاه رسول خدا ﷺ و آموزه‌های دین در تلاش‌اند: ﴿**إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ إِذا كانُوا مَعَهُ عَلى أَمْرٍ جامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأْذَنْ لِمَنْ شِئْتَ مِنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمُ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ * لا تَجْعَلُوا دُعاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضاً قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنْكُمْ لِواذاً فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذابٌ أَلِيمٌ**﴾ (نور/ ۶۲-۶۳). بنابراین مؤمنان همواره با الگو گرفتن از اسوهٔ حسنهٔ

رسول خدا ﷺ (احزاب/۲۱) باید با امامت و ولایت فردی آگاه به قرآن، عادل، متّقی و ...[۱] برای حل مشکلات جامعه و پیشبرد امور به‌پا خیزند و با مشورت و مشارکت صمیمانه برای حفظ عدالت، سلامت فرد و خانواده و جامعۀ انسانی و بهره‌وری درست از محیط زیست بکوشند؛ زیرا درصورت تضعیف امام و ولی‌امر و گسستن ارتباط اعضای جامعه، فساد رو به گسترش و فزونی خواهد گذاشت و عذابی دردناک جامعه را فرا گرفته و نور و یاد خدا از آن رخت برخواهد بست (بنگرید به: مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۲: ۱۴/ ۵۶۷؛ لسانی فشارکی، شانزدهمین و هفدهمین سمینار علمی فرهنگی عاشوراشناسی).

نتیجه‌گیری

شناخت ساختار و محور موضوعی هر سوره از قرآن کریم روشی نوین در علم سوره‌شناسی است که به کمک آن می‌توان تناسب و پیوند میان آیات یک سوره را کشف کرد. سورۀ نور به نه واحد موضوعی تقسیم می‌شود که با مطالعۀ مضامین و مقاصد آیاتِ هریک از واحدها می‌توان گفت محور موضوعی سورۀ نور «شیوه‌های پیشگیری از انحرافات جنسی در نهاد خانواده و جامعه» است. شیوه‌های یادشده که در سیاق‌های نه‌گانه سورۀ نور مورد تبیین قرار گرفته، عبارت‌اند از: آگاهی‌بخشی به مردم و لزوم یادآوری و گسترش این آگاهی به همۀ آحاد جامعه، ساکت کردن مروّجان شایعۀ انحراف جنسی علیه دیگران از طریق نقل نکردن این‌گونه اخبار، وارد نشدن به مکان‌ها و فضاهایی که صاحبان آن‌ها ناشناخته‌اند، کسب اجازه برای ورود به اماکن دیگران، حفظ پوشش در مراودات اجتماعی و زمینه‌سازی برای ازدواج مردان بی‌همسر، غفلت نکردن از ذکر و

---

۱. قالَ رَسولُ اللهِ: «لا تَصلُحُ الإمامَةُ إلّا لِرَجُلٍ فيهِ ثَلاثُ خِصالٍ: وَرَعٌ يَحجُزُهُ عَن مَعاصِي اللهِ وَ حِلمٌ يَملِكُ بِهِ غَضَبَهُ وَ حُسنُ الوِلايَةِ عَلى مَن يَلي حَتّى يَكونَ لَهُم كَالوالِدِ الرَّحيمِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/ ۴۰۷)، امام رضا علیه‌السلام: «الإمامُ الأَنيسُ الرَّفيقُ وَ الوالِدُ الشَّفيقُ وَ الأَخُ الشَّقيقُ وَ الأُمُّ البَرَّةُ بِالوَلَدِ الصَّغيرِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/ ۲۰۰) و امام حسین علیه‌السلام در پاسخ به کوفیان: «فَلَعَمري مَا الإمامُ إلّا الحاكِمُ بِالكِتابِ، القائِمُ بِالقِسطِ، الدّائِنُ بِدينِ الحَقِّ، الحابِسُ نَفسَهُ عَلى ذاتِ اللهِ» (مفید، ۱۴۱۳: ۲/ ۳۹).

تسبیح خدا در خانواده و اجتماع همراه با توجّه به هنر و زیبایی، رعایت عفّت و تعلیم کودکان برای کسب اجازۀ ورود به اتاق والدین در سه زمان مشخّص، داشتن روابط صمیمانه و سالم با خویشان و دوستان، ایمان به حضور دائم و عالمانۀ خداوند غفور رحیم در همۀ لحظات زندگی، ایمان به آخرت و حسابرسی همۀ کارهای انسان و به رسول

خداﷺ و همچنین پیوند و تبعیت محض از ایشان، امام و ولی‌امر جامعهٔ اسلامی.

منابع

۱. ***قرآن کریم***، ترجمهٔ عبدالمحمّد آیتی، به خط حبیب‌الله فضائلی، سروش، تهران، ۱۳۶۹ش.
۲. ابن بابویه، محمّد بن علی، ***علل الشرائع***، کتاب‌فروشی داوری، قم، ۱۳۸۵ش.
۳. ابن فارس، احمد، ***معجم مقاییس اللغة***، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۷ش.
۴. ایجی شیرازی، محمّد بن عبدالرحمن، ***جامع البیان فی تفسیر القرآن***، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۲۴ق.
۵. حاکم نیشابوری، ***المستدرك علی الصحیحین***، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۱ق.
۶. حسینیان مقدّم، حسین، «بررسی تاریخی- تفسیری حادثهٔ افک»، ***تاریخ در آینهٔ پژوهش***، شمارهٔ ۷، ۱۳۸۴ش.
۷. خامنه‌ای، سیّدعلی، «خطبه‌های نماز جمعهٔ تهران، ۱۳۶۸/۷/۲۸» https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1924، دسترسی ۱۴۰۳/۲/۱۸.
۸. خامنه‌ای، سیّدعلی، ***مروری بر مبانی روش و قواعد تفسیری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تفسیر سورهٔ توبه***، نسیم انقلاب، تهران، ۱۳۹۳ش.
۹. دارمی، ابو محمّد عبدالله بن عبدالرحمن، ***سنن***، دار المغنی، ریاض، ۱۴۲۱ق.
۱۰. دارمی، ابو محمّد عبدالله بن عبدالرحمن، **مسند**، تحقیق: حسین سلیم أسد الدارانی، دار المغنی، ریاض، ۱۴۱۲ق.
۱۱. شریف رضی، محمّد بن حسین، ***تلخیص البیان فی مجازات القرآن***، دار الأضواء، بیروت، ۱۴۰۶ق.
۱۲. صنعانی، عبدالرزاق، ***المصنّف***، تحقیق: حبیب الرحمن الأعظمی، المکتب الإسلامی، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۱۳. طباطبایی، سیّد محمّدحسین، **قرآن در اسلام**، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۴ق.
۱۴. طباطبایی، سیّد محمّدحسین، ***المیزان فی تفسیر القرآن الکریم***، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۷ق.
۱۵. طبرانی، سلیمان بن احمد، ***التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم***، دار الکتاب الثقافی، اربد، ۲۰۰۸م.
۱۶. طبری، محمّد بن جریر، ***جامع البیان فی تفسیر القرآن***، دار المعرفه، بیروت، ۱۴۱۲ق.
۱۷. قمی، علی بن ابراهیم، ***تفسیر القمی***، تحقیق: طیّب موسوی جزایری، دار الکتاب، قم، ۱۳۶۳ش.

۱۸. کلینی، محمّد بن یعقوب، ***کافی***، تصحیح: علی‌اکبر غفاری، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق.
۱۹. لسانی فشارکی، محمّدعلی، «تفسیر سوره‌شناختی آیهٔ حجاب»، وبگاه کانون زبان قرآن، دسترسی ۱۴۰۳/۲/۱۸.
۲۰. لسانی فشارکی، محمّدعلی، «تفسیر سوره‌شناختی آیهٔ نور»، وبگاه کانون زبان قرآن، دسترسی ۱۴۰۳/۲/۱۸.
۲۱. لسانی فشارکی، محمّدعلی، «شانزدهمین و هفدهمین سمینار علمی فرهنگی عاشوراشناسی»، وبگاه کانون زبان قرآن، دسترسی ۱۴۰۳/۲/۱۸.
۲۲. لسانی فشارکی، محمّدعلی و حسین مرادی زنجانی، ***سوره‌شناسی (روش تحقیق ساختاری در قرآن)***، نصایح، قم، ۱۳۹۴ش.
۲۳. ماتریدی، محمّد بن محمّد، ***تفسیر***، تحقیق: مجدی باسلوم، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۲۶ق.
۲۴. مطهّری، مرتضی، ***آشنایی با قرآن (۴)؛ تفسیر سورهٔ نور***، صدرا، تهران، ۱۳۷۳ش.
۲۵. مفید، محمّد بن محمّد، ***الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد***، کنگرهٔ شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ق.
۲۶. مقاتل بن سلیمان، ***تفسیر***، تحقیق: عبدالله محمود شحاته، دار إحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۳ق.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، ***تفسیر نمونه***، دارالکتب الاسلامیه، قم، ۱۳۷۲ش.
۲۸. منسوب به ابن‌مهران نیشابوری، «خلاصة الوقوف (رسالة فی کتابة المصحف)»، تصحیح محمّدرضا شهیدی‌پور و حجت‌الله بیاتانی، ***گنجینهٔ بهارستان ۱۵ (علوم قرآنی و روایی ۳)***، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۵ش.
۲۹. منسوب به امام رضا علیه‌السلام، ***الفقه***، مؤسسة آل البیت علیهم‌السلام، مشهد، ۱۴۰۶ق.
۳۰. یحیی بن سلام، ***تفسیر***، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۲۵ق.